

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید

جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای

اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی

جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل

و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت اسلامی در ایران

- اعتراض زندانیان سیاسی و عقیدتی زندان ارومیه به کیفیت غذا؛ کاهش امکانات رفاهی و نارضایتی گسترده

- نه پایان جنگ و نه آرامش زندگی؛ روایت‌هایی از ایران

این صحنه‌ها که برخی مشغول ورزش در پارکی در بالای شهر تهران هستند یا افرادی که کافه‌های وسط شهر را پر کرده‌اند را می‌شود تنها در نقاطی از تهران دید اما مربوط به قشر بسیار محدودی است. برای دیدن واقعیت، باید به محله‌های پایین‌تر شهر رفت.

- محمدپارسا گلچین بازداشت شد

- آخرین وضعیت آرتین غضنفری، عکاس خبری در زندان

- اعتراض به قیمت بالای سوخت و افزایش هزینه های زندگی در ایران

* اعتراض زندانیان سیاسی و عقیدتی زندان ارومیه به کیفیت غذا؛ کاهش امکانات رفاهی و نارضایتی گسترده

ظهر روز سه‌شنبه 25 فروردین، زندانیان سیاسی و عقیدتی بند امنیتی «ارشاد» در زندان ارومیه، در اقدامی اعتراضی از دریافت غذای نهار خودداری کردند.

به گفته منابع مطلع، تمامی ۴۹ زندانی این بند به‌دلیل بوی نامطبوع و کیفیت پایین غذا، قابل‌مهم‌های غذا را بازگرداندند. این اقدام اعتراضی در شرایطی صورت گرفت که کیفیت غذا در ماه‌های اخیر بارها مورد انتقاد زندانیان قرار گرفته بود.

به گزارش روز چهارشنبه 26 فروردین کانون حقوق بشر ایران، از زمان آغاز جنگ اخیر، کیفیت و کمیت غذای زندان‌ها با کاهش قابل توجهی مواجه شده است. به‌ویژه وعده‌های غذایی مانند شام، در بسیاری از موارد به‌دلیل کیفیت پایین عملاً غیرقابل مصرف گزارش شده و توسط زندانیان دور ریخته می‌شود.

این شرایط باعث شده بسیاری از زندانیان برای تأمین نیازهای غذایی خود به فروشگاه‌های زندان وابسته شوند؛ اما این راه‌حل نیز با چالش‌های جدی مواجه است.

از ابتدای جنگ، امکانات رفاهی در زندان‌های ایران، از جمله فروشگاه‌ها، با کاهش جدی مواجه شده است. در برخی زندان‌ها این فروشگاه‌ها به‌طور کامل تعطیل شده و در برخی دیگر، فعالیت آن‌ها به‌شدت محدود شده است.

در مواردی که فروشگاه‌ها همچنان فعال هستند، قیمت کالاها به‌طور مداوم افزایش یافته و دسترسی به اقلام ضروری با دشواری همراه است. این وضعیت، فشار مضاعفی بر زندانیان وارد کرده است.

بخش قابل توجهی از زندانیان با مشکلات اقتصادی مواجه هستند و خانواده‌های آنان نیز توانایی حمایت مالی مستمر را ندارند. در نتیجه، بسیاری از زندانیان امکان خرید مواد غذایی از فروشگاه‌ها را نداشته و در برخی موارد ناچار به تحمل گرسنگی می‌شوند.

این شرایط، به‌ویژه برای زندانیان سیاسی و عقیدتی که دسترسی محدودی به منابع مالی دارند، چالش‌های جدی ایجاد کرده است.

نارضایتی گسترده و نبود پاسخگویی مسئولان

مجموعه این شرایط، از جمله کاهش کیفیت غذا، محدود شدن فروشگاه‌ها و افزایش هزینه‌ها، موجب نارضایتی گسترده در میان زندانیان شده است. با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که تاکنون هیچ‌یک از مسئولان زندان یا نهادهای مربوطه، پاسخ روشنی به این وضعیت نداده‌اند.

عدم رسیدگی به این مشکلات، نگرانی‌ها درباره تداوم شرایط نامناسب در زندان‌ها را افزایش داده است.

نه پایان جنگ و نه آرامش زندگی؛ روایت‌هایی از ایران

این صحنه‌ها که برخی مشغول ورزش در پارکی در بالای شهر تهران هستند یا افرادی که کافه‌های وسط شهر را پر کرده‌اند را می‌شود تنها در نقاطی از تهران دید اما مربوط به قشر بسیار محدودی است. برای دیدن واقعیت، باید به محله‌های پایین‌تر شهر رفت.

روایت‌ها از ایران در میانه آتش‌بس تصویری از روزمرگی فرسوده مردم را نشان می‌دهد. اینترنت قطع است، کارها متوقف شده و مردم بین بیکاری، گرانی و نااطمینانی فقط برای "امروز" زندگی می‌کنند.

تقریباً نیمی از آتش‌بس دو هفته‌ای در ایران گذشته است و در حالی که سایه از سرگیری جنگ همچنان بر سر کشور سنگینی می‌کند، آنچه از دل روایت‌های روزمره مردم به گوش می‌رسد، از بحرانی عمیق حکایت دارد که هنوز هیچ برآورد دقیقی از ابعاد واقعی آن در دست نیست.

آتش‌بس دست‌کم روی کاغذ باید نشانه‌ای از توقف درگیری و بازگشت تدریجی به زندگی عادی باشد اما برای بسیاری از شهروندان ایرانی، این توقف بیش از آنکه به معنای آرامش باشد، تبدیل به وضعیتی شده که از تعلیق میان گذشته‌ای که با شوک‌های پیاپی فرو ریخته و آینده‌ای که هیچ تصویر روشنی از آن وجود ندارد، خیر می‌دهد.

در چنین شرایطی، سخنگوی دولت ایران به‌تازگی اعلام کرده که خسارات مستقیم و غیرمستقیم حملات آمریکا و اسرائیل دست‌کم حدود ۲۷۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. رقمی که اگرچه در سطح کلان مطرح می‌شود اما بازتاب آن را می‌توان به‌روشنی در زندگی روزمره شهروندان دید: در سفره‌های کوچک‌تر، اجاره‌های عقب‌افتاده و مغازه‌هایی که کرکره‌هایشان پایین مانده است.

گرانی افسارگسیخته و گسترش بیکاری، بیش از هر زمان دیگری در زندگی مردم عادی نمایان شده است. این در حالی است که هیچ چشم‌انداز روشنی برای بهبود شرایط وجود ندارد. بسیاری از مردم دیگر نه برای ماه‌های آینده، بلکه تنها برای گذراندن روز پیش رو برنامه‌ریزی می‌کنند؛ نوعی زیست روزمره که بیشتر به بقا شباهت دارد تا زندگی.

قطعی اینترنت که حالا نزدیک به ۵۰ روز از آن می‌گذرد، به‌طور مستقیم بر معیشت مردم اثر گذاشته است اما اثر آن، تنها اقتصادی نیست.

اینترنت برای بسیاری، تنها ابزار کار، ارتباط و حتی تخلیه روانی در روزهای بحران است و قطع آن، به‌نوعی قطع یکی از آخرین رشته‌های اتصال مردم با جهان بیرون و حتی با یکدیگر تعبیر می‌شود.

عقب‌گرد یک نسل زیر فشار جنگ و اقتصاد

بخش قابل توجهی از این واقعیت‌ها در شبکه‌های اجتماعی بازتاب پیدا کرده‌اند؛ کاربران تلاش می‌کنند تصویری از زندگی زیر سایه جنگ و بی‌ثباتی ارائه دهند که در بسیاری موارد با روایت‌های رسمی فاصله دارد. این روایت‌ها، پراکنده اما پرتکرار، در کنار هم به نوعی "حافظه جمعی زنده" از این روزها تبدیل شده‌اند.

یکی از کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشته است: «یه سری دوستانم که در تهران مستقل شده بودند، برنامه دارند خونه رو تحویل بدن و برگردن پیش خانواده‌شون، چون حتی یک ماه اجاره رو ندارن بدهند. جنگ و قطعی اینترنت، کمر زندگی اقتصادی نیم‌بند مردم رو شکسته است.»

این بازگشت اجباری به خانه والدین، برای بسیاری از جوانان، تنها یک تصمیم اقتصادی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از عقب‌گردی است که سال‌ها تلاش برای استقلال فردی را به یکباره بی‌معنا می‌کند.

این روایت‌ها تنها به فضای مجازی هم محدود نمی‌شوند. در گفت‌وگو با افرادی که به‌طور مستقیم تحت تاثیر این شرایط قرار گرفته‌اند، ابعاد ملموس‌تری از بحران آشکار می‌شود.

لیلا، صاحب یک برند کوچک پوشاک در یکی از شهرهای شمالی ایران، یکی از همین افراد است که در سال‌های اخیر توانسته بود با تکیه بر فروش آنلاین، کسب‌وکار خود را سرپا نگه دارد. روایت او، روایتی از فروپاشی تدریجی اما کامل یک زندگی است.

او به دویچه‌وله فارسی می‌گوید: «در سال‌های اخیر، حتی با همین اقتصاد بیمار ایران، توانسته بودم نسبتاً کار کنم. خرج زندگی‌ام را در می‌آوردم و حتی کمک‌حال پدر و مادر بازنشسته‌ام هم بودم.»

اما این وضعیت برای لیلا دوام نیاورده است. او می‌گوید: «تقریباً از دی‌ماه سال گذشته، همه‌چیز از هم پاشید. من با کیفیت کاری که ارائه می‌کردم، برای خودم در میان تولیدکنندگان پوشاک اسم و رسمی پیدا کرده بودم. یک کارگاه کوچک راه انداخته بودم و چند نفر هم مشغول به کار شده بودند اما حالا عملاً نه‌تنها کسب‌وکارم، بلکه زندگی‌مان هم از هم پاشیده است.»

روایت لیلا تنها یک نمونه از وضعیتی گسترده‌تر است که در آن، کسب‌وکارهای کوچک به‌ویژه آنهایی که به فضای آنلاین وابسته بودند، در برابر ترکیبی از جنگ، رکود اقتصادی و قطعی اینترنت، عملاً تاب نیاورده‌اند.

کاربر دیگری نیز در شبکه‌های اجتماعی نوشته است: «تولیدی لباس دارم و اینترنتی فروش می‌کردم. ۱۲ خانوم خیاط که هر کدام زندگی رو خیلی سخت دارن می‌گذرونن و چند نفرشون سرپرست خانواده بودن، داشتن تو اون تولیدی کار می‌کردن که بیش از ۴۰ روزه حتی هزار تومن درآمد ندارن. بیشتر از خودم ناراحت و خجالت‌زده روی اونا هستم.»

در این میان، قطعی طولانی‌مدت اینترنت به یکی از اصلی‌ترین محورهای نارضایتی عمومی تبدیل شده است. کاربران بسیاری در شبکه‌های اجتماعی نسبت به این موضوع واکنش نشان داده‌اند.

یکی از کاربران در شبکه اجتماعی ایکس نوشته است: «اینترنت ارث پدرتون نیست که تصمیم می‌گیرید برای کی باز باشه و برای کی بسته! اینترنت حق همه مردمه. اینترنت و مردم ایران رو آزاد کنید.»

از تعطیلی مغازه‌ها تا بحران در خانه‌ها

اما تاثیر بحران تنها محدود به کسب‌وکارهای آنلاین نیست. در جریان جنگ، بسیاری از مشاغل، از بازارهای سنتی گرفته تا خدمات شهری عملاً به حالت تعلیق درآمدند و حتی پس از آغاز آتش‌بس نیز نتوانسته‌اند به وضعیت عادی بازگردند.

سامان که در یک مغازه لوازم آرایشی و بهداشتی در بازار تهران کار می‌کند، یکی از این افراد است. روایت او، تصویری از انباشت بحران‌ها بر زندگی یک خانواده است.

او می‌گوید: «از زمانی که اعتصاب بازاریان در زمستان سال گذشته شروع شد، عملاً کار ما هم متوقف شد. بعد از آن، یکی پس از دیگری بحران‌ها از راه رسید؛ از حوادث دی‌ماه گرفته تا شروع جنگ. حالا هم که در یک آتش‌بس نیم‌بند هستیم، اوضاع تغییری نکرده است.»

او ادامه می‌دهد: «صاحب مغازه‌ای که در آن کار می‌کنم، در روزهای اوج حملات، اصلاً مغازه را باز نکرد. این یعنی هفته‌ها هیچ درآمدی نداشتیم. وقتی می‌گویم هیچ، یعنی حتی یک ریال. برای من که یک بچه کوچک دارم، این یعنی فاجعه.»

سامان از فروپاشی تدریجی امنیت اقتصادی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «هرچه پس‌انداز داشتیم، خرج کردیم و حالا نمی‌دانیم این وضعیت تا کجا ادامه دارد. شاید مجبور شویم خانمان را هم پس بدهیم و مدتی با خانواده زندگی کنیم.»

چنین روایت‌هایی نشان می‌دهد که بحران اقتصادی، تنها به کاهش درآمد محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور مستقیم ساختار زندگی خانوادگی را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

یکی از کاربران دیگر در شبکه‌های اجتماعی نوشته است: «طلاهایی که گذاشته بودیم یه روز باهوش خونه و ماشین تبدیل به احسن کنیم، داریم می‌فروشیم از سوپر مارکت مایحتاج بخریم.»

یا فرد دیگری که در شبکه ایکس نوشته است: «امروز رفتیم برای خونه یه کم خرید کردیم، واقعا یه کم پولی که دادیم حالمو یه جوری بد کرد که همه اتفاقات این چند وقت اینجوری منو به هم نریخته بود. من خیلی می‌ترسم از آینده.»

این گفت‌وگوهای روزمره به‌طور مداوم تکرار می‌شوند و تنها به موارد پراکنده در شبکه‌های اجتماعی هم محدود نیستند. آنچه از مجموع این روایت‌ها برمی‌آید، تصویری از گسترش فشار اقتصادی، کاهش قدرت خرید و افزایش نگرانی نسبت به آینده است که به‌گفته بسیاری، زندگی روزمره را به سطحی از نااطمینانی و اضطراب دائمی کشانده است.

رسانه‌ها زیر فشار؛ بیکاری در میان خبرنگاران

این شرایط تنها به بازار و مشاغل خدماتی محدود نمی‌شود. در هفته‌های اخیر، بسیاری از خبرنگاران شاغل در ایران نیز از بیکاری خود خبر داده‌اند که بازتاب آن در شبکه‌های اجتماعی نیز دیده می‌شود.

شاهین (نام مستعار) خبرنگار حوزه اجتماعی در گفت‌وگو با دویچه‌وله فارسی می‌گوید: «واقعیت این است که وضعیت آن‌قدر برای همه مردم سخت شده که حتی صحبت کردن فقط درباره خبرنگاران برایم سخت است. اما حقیقت این است که خیلی از ما در این مدت بیکار شده‌ایم.»

یکی از خبرنگاران حوزه فرهنگی نیز در شبکه اجتماعی ایکس نوشته است: «حداقل هفت تا از دوستان خبرنگار من امروز فهمیدن بیکار شدن. دنبال کار می‌گردن، با حقوق حداقلی و پروژه‌ای. موج تعدیل رسانه‌های داخلی وحشتناکه. هیچ آینده‌ای مشخص نیست.»

کمتر از یک هفته پیش، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران نیز با انتشار بیانیه‌ای نسبت به وضعیت موجود هشدار داد. در این بیانیه آمده است، فشارهای اقتصادی، افزایش هزینه‌های کاغذ و چاپ، کاهش درآمدهای تبلیغاتی و اختلال در اینترنت، حیات رسانه‌ها و معیشت روزنامه‌نگاران را با بحرانی جدی مواجه کرده است.

این روند در ماه‌های اخیر به کاهش حجم انتشار، تعطیلی برخی رسانه‌ها و تعدیل گسترده نیروها انجامیده است که نه تنها بر فعالان این حوزه، بلکه بر جریان اطلاع‌رسانی در کشور نیز تاثیرگذار خواهد بود.

با این حال، آنچه از دل این روایت‌ها برمی‌آید، تنها بحران در یک صنف خاص نیست، بلکه نشانه‌ای از بحرانی فراگیر در سراسر جامعه است که لایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی روانی را دربرگرفته است.

شاهین در ادامه تاکید می‌کند: «هیچ‌کس، مطلقاً هیچ‌کس نمی‌تواند ابعاد فاجعه اقتصادی‌ای را که برای مردم رخ داده است، پیش‌بینی کند.»

او می‌افزاید: «الان هر کسی فقط برای همان روز زندگی می‌کند. فقط اینکه صبحش را شب کند و زنده بماند. یک ناامیدی بی‌سابقه در بین مردم هست.»

زندگی زیر فشار؛ از خرید روزانه تا خسارت‌های جنگ

این "زندگی روزبه‌روز" به‌گفته برخی ناظران، نشانه‌ای از شکل‌گیری نوعی فرسودگی جمعی است که در آن، برنامه‌ریزی بلندمدت جای خود را به بقا در کوتاهمدت می‌دهد.

شاهین می‌گوید: «خودم دیدم که مثلاً در بقالی یا نانوايي، مردم فقط به اندازه یک وعده غذا خرید می‌کنند، انگار مطمئن نیستند فردا چه خواهد شد.»

او ادامه می‌دهد: «این صحنه‌ها که برخی مشغول ورزش در پارکی در بالای شهر تهران هستند یا افرادی که کافه‌های وسط شهر را پر کرده‌اند را می‌شود تنها در نقاطی از تهران دید اما مربوط به قشر بسیار محدودی است. برای دیدن واقعیت، باید به محله‌های پایین‌تر شهر رفت.»

شاهین در ادامه به نمونه‌ای عینی در محله نازی‌آباد در جنوب تهران که در جریان حملات هوایی هدف قرار گرفت، اشاره می‌کند. به گفته او، یک مکانیک در این منطقه در اثر این حملات، نه تنها محل کار خود، بلکه بخش بزرگی از سرمایه زندگی‌اش را از دست داده است.

او می‌گوید: «این مکانیک یکی از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد چه بر سر مردم آمده است. مغازه‌اش کاملا تخریب شده و خانه‌اش هم آسیب دیده است. یک فرزند معلول دارد که به داروهای روزانه نیاز دارد و حالا از پس هزینه‌هایش بر نمی‌آید.»

بحران دارو و درمان در دل آتش‌بس

افزایش شدید هزینه‌های درمان و دارو نیز به یکی دیگر از بحران‌های جدی این روزها تبدیل شده است که حتی پیش از جنگ نیز بسیاری را تحت فشار قرار داده بود.

یکی از روزنامه‌نگاران ساکن ایران در شبکه اجتماعی ایکس در این‌باره نوشته است: «اگر از ناگفته‌های جنگ می‌خواهید بشنوید، انسولین آلمانی که قبل از جنگ هر قلمش ۱۸۰ هزار تومان بود، حالا به ۷۱۰ هزار تومان رسیده و تامین اجتماعی فقط ۲۰۰ هزار تومان آن را پوشش می‌دهد.»

این روایت‌ها، تصویری از جامعه‌ای را ترسیم می‌کنند که گرچه در ظاهر وارد دوره‌ای از آتش‌بس شده اما در عمل همچنان در میانه یک بحران عمیق و فرسایشی قرار دارد که نه تنها اقتصاد، بلکه افق ذهنی و امید به آینده را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

در چنین شرایطی، آتش‌بس برای بسیاری از مردم، نه پایان بحران، بلکه تنها مکثی کوتاه است که در آن، زندگی همچنان در حالت تعلیق باقی مانده است.

***محمدپارسا گلچین بازداشت شد**

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، محمدپارسا گلچین، دانشجوی ورودی ۱۴۰۳ کارشناسی رشته‌ی ادبیات دانشگاه تهران و دارنده‌ی مدال طلای المپیاد ادبی، شامگاه شنبه ۲۲ فروردین‌ماه در مشهد بازداشت شد.

طبق این گزارش‌ها، وی به همراه جمعی از دوستان دبیرستانی خود برای دیدار با یکی از معلمان سابقشان گرد هم آمده بودند که در جریان این دیدار، ده‌ها مامور مسلح با ورود به محل، تمامی حاضران را با خشونت بازداشت کردند.

گفته می‌شود بیشتر بازداشت‌شدگان آن شب آزاد شده‌اند، اما محمدپارسا گلچین همچنان در بازداشت به‌سر می‌برد.

تا لحظه تنظیم این خبر، از محل نگهداری، نهاد بازداشت‌کننده و وضعیت کنونی وی اطلاعات دقیقی در دست نیست.

***آخرین وضعیت آرتین غضنفری، عکاس خبری در زندان**

منابع آگاه از وضعیت نامناسب جسمی و روحی آرتین غضنفری، عکاس خبری و شهروند بهایی، پس از حدود سه ماه بازداشت خبر می‌دهند.

به گزارش روز چهارشنبه ۲۶ فروردین فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران، به گفته نزدیکان آقای غضنفری که از ۲۹ دی ۱۴۰۵ بازداشت شده، وی حدود ۴۵ روز نخست را تحت بازجویی گذرانده و سپس به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل شده است.

گفته می‌شود که خانواده این عکاس خبری در این مدت از محل نگهداری وی بی‌اطلاع بوده و تنها تماس‌های کوتاه و کنترل‌شده‌ای کمتر از یک دقیقه دریافت کرده‌اند.

بر اساس این گزارش‌ها، آقای غضنفری به بیماری‌های آسم، فشار خون و نارسایی قلبی مبتلاست و با وجود دسترسی اولیه به دارو، پس از انتقال به زندان از دریافت آن‌ها محروم شده است.

گزارش‌ها از زندان تهران بزرگ حاکی از شرایط نامناسب بهداشتی و تراکم بالای زندانیان است؛ وضعیتی که به گفته منابع، روند بهبود آقای غضنفری را با دشواری بیشتری مواجه کرده است.

آرتین غضنفری در جریان موج بازداشت‌ها پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در تهران، در منزل شخصی خود بازداشت شد. ماموران ضمن تفتیش محل زندگی و کار او، برخی وسایل شخصی و کاری‌اش را ضبط کردند.

***اعتراض به قیمت بالای سوخت و افزایش هزینه های زندگی در ایرلند**

دولت ایرلند به محاصره پالایشگاه پایان داده و کاهش بیشتر مالیات برای سوخت را اعلام کرده است.

تظاهرات روز دوشنبه 13 آوریل ادامه دارد.

محاصره پالایشگاه و پمپ بنزین‌ها در روز یکشنبه 12 آوریل نیز در (دوبلین) ایرلند ادامه یافت.

رانندگان کامیون و کشاورزان تقریباً به مدت یک هفته بزرگراه‌ها و تنها پالایشگاه کشور را در سراسر ایرلند مسدود کردند. این اعتراض آنها به سایر کشورهای اروپایی مانند نروژ و فرانسه نیز گسترش یافت.

روز شنبه، ناآرامی‌ها به طور موقت پایان یافت. پلیس و ارتش محاصره پالایشگاه نفت (Whitegate) و ایت گیت را از دست معترضان خارج کردند. با این وجود، دولت ایرلند - تحت فشار - احساس کرد که مجبور به انجام مجموعه‌ای از اقدامات است. نخست وزیر مایکل مارتین Micheál Martin و معاونش، سیمون هریس Simon Harris، روز یکشنبه اعلام کردند که در یک جلسه اضطراری بر سر یک بسته کمکی دیگر به مبلغ ۵۰۵ میلیون یورو برای کاهش اثرات جنگ ایران توافق کرده‌اند.

دولت ایرلند همچنین درآمد شرکت‌های انرژی را محدود نمی‌کند. دولت با کاهش سهم خود از درآمد مالیاتی، یعنی مالیات سوخت را کاهش میدهد. مهم‌ترین اقدام در بسته جدید، کاهش بیشتر مالیات گازوئیل و بنزین به میزان ده سنت در هر لیتر تا پایان ماه ژوئیه است. پیش از آن دولت در ماه مارس تصمیم به کاهش 20 سنتی برای گازوئیل و 15 سنتی برای بنزین گرفته بود. علاوه بر این، افزایش برنامه‌ریزی‌شده مالیات CO2 قرار است تا ماه اکتبر به تعویق بیفتد.

اعتراضات که از سه‌شنبه 7 آوریل گذشته آغاز شد، نه تنها پالایشگاه را مسدود کرد، بلکه دسترسی به دو انبار سوخت را نیز با مشکل مواجه کرده بود. و تظاهرات در دوبلین باعث هرج و مرج در رفت و آمد وسایل نقلیه شده بود. پمپ بنزین‌های زیادی، به ویژه در غرب کشور، به دلیل ترس مردم از کمبود سوخت، با خریدت‌های آنان خالی شدند.

استقرار نیروهای دفاعی ایرلند روز پنجشنبه توسط وزیر دادگستری، جیم اوکالاها Jim O'Callaghan مطرح شده بود. روز شنبه، جاستین کلی، Justin Kelly رئیس پلیس کشور، هشدار داد که اعتراضات، «کشور را به خطر می‌اندازد». کلی Kelly گفت که محاصره «زیرساخت‌های حیاتی ملی مانند انبارهای سوخت و پالایشگاه‌ها» منجر به کمبود شدید سوخت شده است. این امر «مستقیماً بر خدمات اورژانسی مانند بیمارستان‌ها، آمبولانس‌ها و آتش‌نشانی‌ها تأثیر می‌گذارد.» معترضان با اقدامات «غیرقانونی» خود، «کشور را به گروگان گرفته‌اند». بعداً در همان روز، در عملیاتی گسترده با کمک نیروهای مسلح، پلیس ایرلند تراکتورها را از جلوی پالایشگاه نفت وایت‌گیت whitegate خارج کرد.

روز بعد، نخست‌وزیر مارتین Martin بلافاصله پس از اعلام کاهش مالیاتی جدید برای سوخت، هشدار داد که محاصره پمپ بنزین‌ها و انبارهای نفت ادامه خواهد یافت. هر کسی که این قوانین را نقض کند، باید «انتظار اجرای کامل قانون را داشته باشد».

اعتراضات تا روز دوشنبه ادامه یافت، اگرچه پوشش رسانه‌ای کمتری داشت. با این وجود این بحث عمومی در مورد تشویق معترضان توسط رسانه‌ها برای رفتن به پالایشگاه وایت‌گیت، whiteking را در اذهان مردم مطرح کرده است یا خبر آن وجود داشت. که روزنامه وال استریت ژورنال آنرا به طور قابل توجهی بی اهمیت دانست.

اعتراض صبح دوشنبه که به عنوان یک اعتصاب ملی اعلام شد، اگرچه به یک اقدام گسترده تبدیل نشد. اما برخی اختلالات در سراسر کشور بوجود آورد. بطوریکه چندین کسب و کار در رسانه‌های اجتماعی اعلام کردند که همچنان تعطیل خواهند ماند.

در تمام آخر هفته، بار دیگر موضوع مهاجران به مسئله برجسته‌ای در تظاهرات تبدیل شد - حداقل در رسانه‌های عمومی! با آنکه، اعتراضات هفته گذشته توسط گروه‌های راست‌گرا سازماندهی نشده بود.

روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داد: «بسیاری از کسانی که جاده‌ها و بزرگراه‌ها را مسدود کردند، صرفاً به دلیل ناامیدی از افزایش قیمت سوخت انگیزه داشتند. تا دست به اعتراض گسترده بزنند.»

با این همه، چهره‌های راست افراطی در ایرلند و خارج از آن بودند که مطرح شدند تا صدای شان را علیه دولت و اتحادیه اروپا برای اخراج مهاجران، مورد سو استفاده قرار دهند. این افراد شامل چهره‌هایی مانند کانر مک‌گرگور Conor McGregor درک بلیگه Derek Blighe و لیز چرچیل

Liz Churchill بودند.

طبق گزارش‌ها، فراخوان برای این اقدام اعتراضی عمدتاً از طریق کانال‌های رسانه‌های اجتماعی نیروهای راست‌گرا منتشر شده است.

منبع : روزنامه یونگه ولت

14 آپریل 2026

ترجمه : چت جی پی تی

ویراستار ، محسن خوشبین

akhbarkargari2468@gmail.com